

استقلال خواهی کردی در عراق:

تحلیل ساختاری و سناریوها

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۶/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۹/۱۰

علیرضا خسروی*

علی اکبر اسدی**

چکیده

این مقاله در پی پرداختن به این موضوع است که مهم‌ترین متغیرهای اثرگذار بر استقلال کردی در عراق در یک دهه آینده کدامند و چه سناریوهایی در این خصوص قابل ترسیم است؟ برای پاسخ به این سؤال، در قالب روش تحلیل ساختاری سعی شده بعد از شناسایی متغیرهای اصلی و ارزیابی میزان اثرگذاری و اثرپذیری هر کدام از آنها در سیستمی کلان، نتایج بررسی در بخش‌های مختلف ارائه و تبیین شود. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که حمایت‌ها و رویکردهای بین‌المللی و رقابت و رویکرد بازیگران پیرامونی به ترتیب اثرگذارترین متغیرها در موضوع استقلال کردی محسوب می‌شوند. قدرت و انسجام دولت مرکزی و اختلافات یا انسجام راهبردی کردی، دو عدم قطعیت کلیدی شکل‌دهنده سناریوهای استقلال کردی هستند. بر این اساس، چهار سناریوی بدیل در مورد مسئله استقلال کردی ترسیم شده است. **واژگان کلیدی:** استقلال خواهی کردی، عراق، آینده‌پژوهی، تحلیل ساختاری، سناریو.

ali.khosravi@ut.ac.ir

* استادیار روابط بین‌الملل دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)

** استادیار روابط بین‌الملل پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

فصلنامه مطالعات راهبردی • سال بیست و یکم • شماره سوم • پاییز ۱۳۹۷ • شماره مسلسل ۸۱

مقدمه

تلاش کرده‌های عراق برای جدایی از عراق و کسب استقلال را می‌توان یکی از روندهای مهم و راهبردی در محیط پیرامونی جمهوری اسلامی ایران دانست. برگزاری همه‌پرسی استقلال در کردستان عراق در سپتامبر ۲۰۱۷ به‌رغم تحولات سلبی بعدی، نقطه اوج تلاش‌های کردی برای کسب استقلال و ایجاد دولت کردی بود. این رویداد تنها بخشی جدید و متأخر از سیاست‌ها و اقدامات کردهای عراق برای مستقل شدن بوده و پیشینه این موضوع به دهه‌ها و حتی به اعتباری یک قرن گذشته باز می‌گردد. در واقع کردها از زمان فروپاشی امپراتوری عثمانی و تشکیل دولت‌های جدید در غرب آسیا به نادیده گرفتن حقوق و استقلال سیاسی خود معترض بوده‌اند و هموار خواستار کسب سطحی از اختیارات و قدرت محلی در قالب‌های مختلف مانند خودمختاری، فدرالیسم یا استقلال بوده‌اند. در واقع بعد از فروپاشی امپراتوری عثمانی، سرزمین‌های کردی در قالب سه دولت ترکیه، عراق و سوریه تقسیم شد و معاهده‌ها و توافقات بین‌المللی دهه‌های نخستین قرن بیستم نیز باعث تحکیم و رسمیت مرزهای جدید و در نتیجه تثبیت نسبی وضعیت کردها به‌عنوان اقلیت در این سه کشور شد. این وضعیت همواره باعث اعتراض و انتقاد کردها در این کشورها و به‌خصوص در عراق بوده است.

کردهای عراق در دهه‌های مختلف قرن بیستم به شکل‌دهی و پیشبرد جنبش‌های مختلفی در برابر دولت مرکزی مبادرت کردند و خواستار افزایش اختیارات و قدرت محلی و نوعی از خودمختاری در شمال این کشور بودند. به‌رغم تلاش‌های مختلف تنها از دهه ۱۹۹۰ بود که کردها موفق شدند به‌صورت عملیاتی به شکل‌دهی حوزه سرزمینی و سیاسی مستقلی از بغداد بپردازند. جنگ کویت و اعمال فشارهای نظامی و سیاسی - اقتصادی بر بغداد و نوعی از اراده بین‌المللی با محوریت آمریکا باعث شد تا کردها در این دهه به فرصتی تاریخی دست یافته و به ایجاد ساختارهای سیاسی و امنیتی شبه مستقل در مناطق کردی شمال عراق بپردازند. فروپاشی حکومت صدام در نتیجه حمله آمریکا در سال ۲۰۰۳ باعث شد تا کردهای عراق بتوانند دستاوردهای مهمی را در روند استقلال‌طلبی خود کسب نمایند. در این دوره کردها ضمن قانونی ساختن حاکمیت محلی خود با عنوان اقلیم در قالب قانون اساسی توانستن در

ساختار قدرت مرکزی در بغداد نیز جایگاه مهمی را به دست آورند و بسیاری از مناصب سیاسی و حکومتی کلیدی مانند ریاست جمهوری را در اختیار بگیرند.

در طول سال‌های پس از ۲۰۰۳ کردها موفق شدند تا قدرت و اختیارات خود را افزایش دهند و بر سطح اختیارات مستقل خود در برابر بغداد بیافزایند و دولت اقلیم در این سال‌ها به‌عنوان نوعی واحد سیاسی شبه‌مستقل یا شبه‌دولت مطرح بوده است. این وضعیت جدید با اختلافات جدی و مستمر میان بغداد و اربیل در عرصه‌های سیاسی، نظامی - امنیتی و اقتصادی و بر سر موضوع‌هایی مانند بودجه، نفت، حقوق پیش‌مرگه، تجهیزات و توان نظامی پیش‌مرگه و مناطق مورد مناقشه همراه بوده است. هجوم داعش به عراق و سیطره آن بر مناطق گسترده‌ای از این کشور فرصت مهمی را برای اکراد فراهم ساخت تا ضمن تسلط بر اغلب مناطق مورد مناقشه به افزایش قدرت خود مبادرت نموده و تجربه عراق را شکست خوانده بخوانند. با کاهش خطر داعش و خارج ساختن آن از بیشتر مناطق عراق، رهبران کردی خواستار برگزاری همه‌پرسی استقلال برای جدایی از عراق شدند. برگزاری همه‌پرسی در سبتمبر ۲۰۱۷ با واکنش جدی دولت عراق و بازیگران منطقه‌ای و قدرت‌های بزرگ جهانی مواجه شد و نوعی عقب‌گرد در روند استقلال کردی را در پی داشت. به‌خصوص اینکه دولت عراق نتایج همه‌پرسی استقلال را نفی کرد و بار دیگر کنترل مناطق مورد مناقشه را در دست گرفت. ضمن اینکه شدت گرفتن اختلافات داخلی کردی، کناره‌رفتن مسعود بارزانی از قدرت و تشدید مشکلات اقتصادی اقلیم کردستان همگی نشانگر نتایج منفی و معکوس برگزاری همه‌پرسی استقلال در این کشور بوده است.

با وجود اینکه همه‌پرسی استقلال در کردستان عراق نتایج منفی و معکوس برای کردهای عراق داشته است، اما وضعیت حاضر هرگز به‌مفهوم کنار گذاشتن ایده استقلال از سوی کردها نیست و رهبران کرد حتی در کوتاه‌مدت نیز حاضر به ابطال نتایج همه‌پرسی به‌صورت رسمی نیستند. ضمن اینکه تغییر شرایط منطقه‌ای و بین‌المللی و دگرگونی در رویکرد بازیگران دخیل در این موضوع ممکن است وضعیت متفاوتی را ایجاد نماید و روند استقلال کردی را دچار تغییراتی نماید. باتوجه‌به این مهم و از آنجایی که مسئله استقلال کردی یکی از مسائل مهم

سیاست خارجی ایران است و اثرات درخور توجهی بر ابعاد مختلف امنیت ملی کشور خواهد داشت بررسی این مسئله از زوایای مختلف اهمیت دارد.

درحالی که بسیاری از پژوهش‌های انجام شده در خصوص مسئله استقلال کردی در عراق به بررسی ریشه‌های تاریخی و ابعاد راهبردی کنونی این مسئله معطوف هستند، بررسی این مسئله با نگاهی ساختاری و سیستمی و رویکردی آینده‌نگرانه کمتر مرکز توجه قرار گرفته است. نگرش ساختاری و سیستمی نوعی از رویکرد مطالعاتی و تحقیقاتی است که در بررسی یک مسئله سعی دارد تا با فرارفتن از تحلیل تک متغیری، به بررسی اثرات متغیرهای مختلف بر یک مسئله و ارزیابی برآیند آنها بپردازد. همچنین رهیافت آینده‌نگری با عبور از روندهای کنونی سعی دارد به گمانه زنی در خصوص آینده‌های مسئله بپردازد که از جمله با روش سناریونویسی درخور بررسی است. در این چارچوب پرسش اصلی درخور طرح در این پژوهش آن است که متغیرهای اصلی اثرگذار بر مسئله استقلال کردی کدامند و برآیند اثرگذاری و اثرپذیری این متغیرها باعث مطرح شدن چه سناریوهایی در خصوص استقلال کردی در طول یک دهه آینده می‌شود؟ در این راستا ابتدا رهیافت نظری و روش‌شناختی پژوهش ارائه می‌شود سپس به تبیین متغیرهای اثرگذار در استقلال پرداخته می‌شود. بخش دیگر نوشتار شامل ارزیابی اثرگذاری و اثرپذیری متغیرهای موضوع بررسی در چارچوب روش تحلیل ساختاری و با بهره‌گیری از روش میک مک خواهد بود. در بخش‌هایی تحقیق به طرح و تبیین سناریوهای بدیل استقلال کردی با استفاده از نتایج تحلیل ساختاری خواهیم پرداخت. از آنجایی که تحقیق حاضر نوعی مطالعه آینده‌پژوهی با روش تحلیل ساختاری و سناریوپردازی است نمی‌توان فرضیه‌ای را مطرح و موضوع آزمون قرار داد، بلکه با استخراج و ارزیابی اثرات متغیرهای کلیدی و طراحی سناریوها نتایج تحقیق در انتها ارائه خواهد شد.

الف. رهیافت نظری و روش‌شناختی

این نوشتار در پی پرداختن به مسئله استقلال کردی با بهره‌گیری از رهیافت سیستمی و روش تحلیل ساختاری است. در رهیافت سیستمی تلاش بر این است تا سطح وسیعی از عوامل و متغیرها در سطوح مختلف کانون توجه و بررسی قرار گیرد و تنها بر آزمون یک متغیر یا حتی

متغیرهای یک حوزه خاص تأکید نمی‌شود. رویکرد سیستمی رویکردی کل‌نگر است که جنبه فرارشته‌ای قوی داشته و سعی دارد تا عوامل و متغیرهای متعدد و مهم را در خصوص هر پدیده شناسایی و تبیین کند. تفکر سیستمی در اصل از اشکال سنتی تحلیل متفاوت است. تحلیل‌های سنتی بر جداکردن اجزایی از موضوع مطالعه تأکید دارد و اصطلاح تحلیل از مفهوم ریشه‌ای تقسیم به اجزای سازنده می‌آید. در مقابل تفکر سیستمی بر این متمرکز است که چگونه یک مسئله در تعامل با سایر اجزای سیستم که خود بخشی از آن است موضوع مطالعه قرار گیرد. این مسئله بدین معنی است که به‌جای تجزیه عناصر سیستم موضوع مطالعه به بخش‌های کوچک و کوچک‌تر، باید به تعاملات متغیرها با تعداد بزرگ و بزرگ‌تری از اجزا در مسئله موضوع مطالعه پرداخت. بر این اساس است که تفکر سیستمی ممکن است به حل و فصل بسیاری از مسائل پیچیده کمک کند که به تعداد زیادی از متغیرها یا رفتار تعداد زیادی از بازیگران وابسته هستند (Aronson, 1996, 1).

بر اساس نگرش سیستمی در مقابله با مسائل اجتماعی سیاسی و اقتصادی، ما با مسائل مستقل و پراکنده مواجه نیستیم به‌طوری‌که بتوانیم هر یک از آنها را جداگانه طبق روش علمی حل نمائیم؛ بلکه برعکس با مجموعه‌ای از مسائل مرتبط مواجه‌ایم که پدیده‌ای پیچیده یا سیستمی از مسائل را تشکیل می‌دهند. چنین مجموعه‌ای از مسائل وضعیت بغرنجی به‌نام پروبلماتیک به‌وجود می‌آورد. چنین سیستمی از مسائل آشفتگی نامیده شده و این مسائل در تعامل با همدیگر بوده و بر هم آثار متقابلی دارند. در رویکرد سیستمی برای شناخت و حل مسائل جامعه و سازمان‌های اجتماعی، ابعاد ساختاری، کارکردی و فرایندی و آثار متقابل و پیچیدگی حاصل از تعامل آنها موضوع مطالعه قرار می‌گیرد. همچنین در این رهیافت مشارکت و تعامل گروه‌های ذی‌نفع، استمرار توجه به تغییر و تحولات درونی و محیطی و کل‌نگری اهمیت اساسی دارد (بنی‌اسدی، ۱۳۸۵: ۳۳-۳۵).

نگرش و رهیافت سیستمی در حوزه‌های مختلف مطالعاتی علوم انسانی و اجتماعی به گونه‌های متعددی بازتاب یافته است. در این حوزه ابزارهای مختلفی در رویکرد سیستمی استفاده شده‌اند. مدل‌های تحقیق در عملیات در دهه ۵۰، پویایی‌های سیستم فارستر و تحلیل تأثیرات متقابل گوردون و هلمر در دهه ۱۹۶۰ میلادی، تحلیل و ارائه نمودار قدرت تینور

بوشات در دهه ۱۹۷۰ و نیز تحلیل ساختاری گوده و دوپیرین از جمله ابزارهای استفاده شده در رویکرد سیستمی هستند. در این راستا قابل تأکید است که بیش از ۳۰ سال است که ماتریس‌های تأثیر، تبدیل به یکی از ابزارهای رایج حوزه آینده‌پژوهی شده است. ماتریس‌های تأثیر با هدف بررسی سیستم‌ها و پویایی‌های آنها می‌توانند به سه دسته تقسیم‌بندی شوند: تحلیل ساختاری، راهبردهای بازیگران و ماتریس‌های تأثیرات متقابل.

در تحلیل ساختاری، ماتریس‌ها با متغیرها روبرو هستند؛ در راهبرد بازیگران، ماتریس‌ها بر روی بازیگران و اهداف آنها متمرکز هستند؛ در مدل‌های احتمالی تأثیرات متقابل، ماتریس‌های تأثیر، رویدادها، فرضیه‌ها و گاهی روندها را با یکدیگر ترکیب می‌کنند (سمیعی، ۱۳۹۵: ۲۳).

بر اساس روش تحلیل ساختاری در این نوشتار در سه مرحله به تحقیق می‌پردازیم. مرحله نخست شناسایی متغیرهای کلیدی اثرگذار بر مسئله استقلال کردی و تبیین آنهاست. مرحله دوم ارزیابی میزان اثرگذاری و اثرپذیری متغیرها از همدیگر و ترسیم نمودار اثرگذاری و اثرپذیری متغیرها در تصویری واحد است. در این مرحله پس از مشخص شدن میزان اثرگذاری هر یک از متغیرها بر همدیگر بر اساس نظرات خبرگان داده‌های اولیه به نرم‌افزار میک وارد می‌شود و این نرم‌افزار خروجی‌های مختلفی از جمله نمودار و گراف اثرگذاری و اثرپذیری در مسئله استقلال کردی را به ما ارائه می‌دهد. مرحله سوم مرحله طراحی و تدوین سناریوها بر اساس خروجی‌های سیستم مورد بررسی است. در این مرحله خروجی‌های سیستم مورد بررسی و جایگاه هر یک از متغیرها در نمودار اثرگذاری و اثرپذیری مورد تحلیل کیفی قرار گرفته و سناریوهای آینده استقلال کردی بر اساس آنها طراحی و ارائه خواهد شد. این مراحل در زیر با عناوین ورودی‌های سیستم، خروجی‌های سیستم و سناریوهای آینده مطرح شده است.

ب. ورودی‌های سیستم: متغیرهای دخیل

مسئله استقلال کردی و تلاش کردها برای جدایی از عراق تحت تأثیر متغیرهای مختلفی وجود دارد. به‌رغم اینکه تلاش‌های تحقیقاتی مختلفی برای تبیین این مسئله بر اساس مؤلفه‌هایی خاص مانند تمایزات هویتی و تلاش‌های تاریخی کردها برای ایجاد کشور مستقل انجام شده

است، اما بررسی دقیق و جامع شرایط کردی نشان می‌دهد که مطالعه این موضوع جز با در نظر گرفتن طیف گسترده‌ای از مؤلفه‌ها و متغیرها امکان‌پذیر نیست. از این رو، درک جامع و واقع‌بینانه استقلال‌خواهی کردی ما را ناچار می‌کند تا در سطوح مختلف به شناسایی متغیرهای اثرگذار بپردازیم. هرچند که تعداد بسیاری از مؤلفه‌ها بر استقلال‌خواهی کردها اثرگذارند، در این تحقیق بر اساس دیدگاه خبرگان ۱۲ موضوع در سه سطح به‌عنوان متغیرهای اصلی شناسایی شد که مسئله استقلال کردی را متأثر می‌سازند. این متغیرها در سطح کردی عراق، سطح ملی عراق و سطح خارجی یا منطقه‌ای و بین‌المللی درخور اشاره و تبیین هستند.

۱-۱. متغیرهای کردی عراق

در سطح کردی عراق می‌توان به شش متغیر اصلی اشاره کرد که در استقلال کردی اثرگذاری چشمگیری دارند. این متغیرها عبارت‌اند از:

محدودیت‌های ژئوپلیتیکی برای استقلال اقلیم: تشکیل دولت بیش از هر چیز در وهله نخست مستلزم تسلط بر منطقه جغرافیایی مشخص با مرزهای تا حدی دقیق و مزیت‌های ژئوپلیتیک لازم است. هرچند کردهای عراق بر محدوده جغرافیایی مشخصی مسلط شده‌اند، اما با محدودیت‌های ژئوپلیتیک مهمی برای ایجاد دولت روبرو هستند. منظور از محدودیت‌های ژئوپلیتیک در اینجا نبود کنترل مؤثر و قانونی کردها بر مناطق مورد مناقشه و وجود مناطقی با آمیختگی جمعیتی فراوان در مناطق موسوم به کردستان، دسترسی نداشتن به آبهای آزاد و محاصره کردهای عراق از جانب قدرت‌هایی است که مخالف استقلال کردی بوده و شامل چهار کشور عراق، ترکیه، سوریه و ایران است. با توجه به شدت محدودیت‌های ناشی از عوامل و وضعیت ژئوپلیتیک کردها در معرض آزادی یا تنگناهای کمتر یا بیشتری برای حرکت به سمت استقلال خواهند بود. شرایط ژئوپلیتیک کردها و محدودیت‌های مربوط به آن از متغیرهای کلیدی است که به‌طور ساختاری و در بلندمدت هرگونه حرکت کردها به سمت استقلال و ایجاد کشور مستقل را تحت تأثیر قرار می‌دهد (زیباکلام و عبدالله‌پور، ۱۳۹۰: ۶۲).

هویت‌طلبی قومی و استقلال‌طلبی اکراد: کردها دارای ویژگی‌های خاصی هستند که باعث درک متفاوت فرهنگی و هویتی آنها در مقایسه با اکثریت عرب ساکن در عراق می‌شود. آنان

باتوجه به زبان و آداب و رسوم متفاوت از عرب‌ها و در نتیجه تحولات تاریخی متفاوت حول عناصر هویتی متفاوتی گردآمده و هویت فرهنگی - اجتماعی و حتی سیاسی متفاوتی را شکل داده‌اند. بر این اساس است که هویت‌طلبی قومی کردها به‌عنوان بستر و اساس اصلی شکل‌گیری دولت اقلیم کردی و تلاش گروه‌های کردی برای خارج‌شدن از کنترل بغداد تلقی شده است (نظری، ۹۵: ۱۹۹-۲۰۱). این هویت‌طلبی از مبارزه گروه‌های کردی با بغداد تا دهه ۱۹۹۰ و جدایی نسبی آنان از بغداد از این دهه به بعد و کم‌شدن تعاملات بخش کردی و عربی عراق نیز تأثیر پذیرفت باعث افزایش جدی مطالبات استقلال‌خواهانه شد. پس از برقراری منطقه امن در شمال عراق در سال ۱۹۹۲ کردها به احیا و رشد هویت خود در قالب زبان، پرچم، نمادهای ملی و تاریخی پرداختند. نسل جدید هویت کردی خود را برتر از هویت ملی عراق می‌شمارد و می‌تواند بنیاد استقلال منطقه کردستان به حساب آید (قاسمی، ۱۳۸۹: ۴۱). همان‌طور که نتایج کلی همه‌پرسی استقلال کردی نیز (فارغ از برخی مداخلات احتمالی) نشان داد جامعه کردی در شرایط مناسب به جدایی از عراق تمایل دارد. بر این اساس هویت‌طلبی قومی به‌عنوان عاملی اساسی در استقلال‌خواهی کردی مطرح است و جامعه کردی در شرایط مساعد نمی‌تواند گزینه دیگری را جایگزین استقلال نماید. با این حال در شرایطی که هزینه‌های استقلال افزایش یابد گزینه‌های میانی در اولویت کردها قرار خواهد گرفت.

خوداتکایی و استقلال اقتصادی اقلیم کردی: اینکه اقلیم کردی تا چه حد از ظرفیت‌های اقتصادی لازم و خوداتکایی و استقلال اقتصادی در مقابل بغداد برخوردار باشد و بتواند به تأمین نیازهای مالی و اقتصادی دولت و مردم تحت حاکمیت پردازد نقشی اساسی در مسئله استقلال دارد. در این خصوص مؤلفه‌های مختلفی مانند استخراج و صادرات نفتی، ایجاد زیرساخت‌های اقتصادی مناسب، تأمین منابع مالی دولت و مردم و ایجاد روابط اقتصادی مناسب با بازیگران خارجی اهمیت دارد. کردهای عراق از زمان کسب خودمختاری در دهه ۱۹۹۰ گام‌هایی تدریجی را برای افزایش توان و خوداتکایی اقتصادی برداشته‌اند که به‌خصوص در کنترل معابر مرزی و درآمدهای گمرکی، جذب سرمایه خارجی و تجارت خارجی و همچنین تولید و صدور نفت به‌خصوص در یک دهه اخیر نمود داشته است. با این حال در سال‌های پس از سقوط حکومت صدام آنها به کسب بودجه از عراق چشم دوخته و توانستند

حدود ۱۷ درصد بودجه سالانه عراق را به خود اختصاص دهند. این بودجه بعد از تلاش اربیل برای صادرات مستقل نفت از مناطق کردی از سوی دولت عراق قطع شد و صدور حدود ۶۰۰ هزار بشکه نفت در روز به منبع اصلی درآمدی اقلیم در سال‌های پس از ۲۰۱۴ تبدیل شد (Dziadosz, 2017).

هرچند اقلیم کردستان دارای منابع انرژی درخور توجهی برای تولید و کسب درآمد است و از جمله منابع نفتی آن حدود ۴۰ میلیارد بشکه تخمین زده می‌شود، اما در عمل امکان بهره‌گیری جدی از این منابع را ندارد. ضمن اینکه مشکلات اقتصادی مختلف و عواملی وجود دارد که باعث ایجاد بحران اقتصادی در این منطقه شده است. مشروعیت نداشتن و قانونی نبودن صدور نفت، ناامنی ناشی از داعش سپس اختلافات با دولت مرکزی در پی همه‌پرسی ۲۰۱۷، ارزان شدن بهای نفت، پرداخت نشدن سهم اقلیم از بودجه دولت مرکزی و وجود پناهندگان سوری و عراقی در اقلیم، در کنار فساد و سوءمدیریت از جمله مهم‌ترین عوامل ایجاد بحران اقتصادی در کردستان عراق بوده‌اند (World Bank Group, 2015: 2-5). در شرایط بعد از همه‌پرسی سپتامبر ۲۰۱۷ وضعیت اقتصادی کردهای عراق به مراتب بدتر شده است؛ چراکه کنترل دولت عراق بر کرکوک و تلاش برای کنترل معابر مرزی و گمرک، کاهش نسبی سهم اقلیم از بودجه عراق در سال ۲۰۱۸ و کاهش امکان تولید و صدور نفت در مقیاس زیاد در شرایط جدید همگی باعث کاهش جدی امیدواری‌ها برای خوداتکایی و استقلال اقتصادی کردستان عراق شده است.

قدرت نظامی یکپارچه، مستقل و استراتژیک اقلیم: کردهای عراق در طول دهه‌های اخیر توانسته‌اند ظرفیت‌ها و توان نظامی و امنیتی خود را افزایش دهند. از آنجایی که قدرت نظامی اهمیت بسزایی برای تضمین حرکت کردها به سمت استقلال دارد، تلاش‌هایی برای یکپارچه‌سازی نیروی نظامی تقسیم‌شده بین احزاب اصلی وجود دارد. ضمن اینکه به لحاظ تجهیزات نظامی کردها نیازمند ارتقای تجهیزات و تسلیحات خود به سطح استراتژیک می‌باشند. بر این اساس در اینجا قدرت نظامی و استراتژیک کردها به عنوان یکی از عوامل اصلی تعیین‌کننده میزان موفقیت یا ناکامی کردها به استقلال اهمیت می‌یابد. مشکل اصلی در عرصه ساختار نظامی آن است که برخی از لشکرهای پیش‌مرگه به اربیل و برخی دیگر به

سلیمانیه وابسته هستند و باتوجه به محوریت احزاب کردها هنوز قادر به ایجاد ارتش مستقل و یکپارچه نیستند. این موضوع به عنوان یکی از مسائل جدی است که تلاش کردها برای استقلال را تضعیف می کند (حمه، ۲۰۱۷).

اختلافات راهبردی درون کردی: در شرایطی که انسجام و همکاری گروه های کردی عراق برای دستیابی آنها به استقلال اهمیت چشمگیری دارد، بررسی تاریخ جریان های سیاسی کردی نشان می دهد که به رغم تأکید همه جریان ها بر حرکت به سمت خودمختاری یا استقلال، اختلافات راهبردی آنها همواره مانع و چالشی اساسی در این خصوص بوده است. جنگ داخلی کردها در مقطعی از دهه ۱۹۹۰ نشانگر عمق اختلافات و رقابت های بین دو جریان اصلی کردی، یعنی حزب دموکرات و اتحادیه میهنی بود. هرچند در سال های پس از ۲۰۰۳ همبستگی و همکاری های درون کردی افزایش یافت و دستاوردهای مهمی را نیز در پی داشت، اما در سال های منتهی به همه پرسی ۲۰۱۷ اختلافات مهمی بین این جریان ها بروز کرد. در واقع به رغم جنبه آرمانی و قومی مسئله استقلال، اختلافات مهمی بین جریان های کردی در خصوص مسائلی مانند نحوه اداره اقلیم یا دولت کردی مستقل، روند سیاسی، نحوه توزیع درآمدهای نفتی و حتی شرایط اعلام استقلال وجود دارد. در این سال ها تعطیلی پارلمان و تداوم غیرقانونی ریاست مسعود بارزانی و اعتراضات احزابی مانند اتحادیه میهنی و جنبش تغییر در خصوص ابهام در درآمدهای نفتی باعث گسترش جدی تنش بین طرف های سیاسی شد (محمد احمد، ۲۰۱۷).

تحولات کردی بعد از همه پرسی کردستان و ناکامی کردها در این موضوع باعث شد تا احزاب کردی اتهامات مهمی را علیه همدیگر مطرح سازند و تلاش کنند تا نتایج معکوس و ناکامی در همه پرسی را متوجه احزاب رقیب کنند. در چنین شرایطی بود که واگرایی بین جریان های کردی به شدت افزایش یافته و به عنوان مانع مهمی برای پیگیری مطالبات استقلال خواهانه در آینده نیز محسوب می شود. بر این اساس اینکه جریان های مختلف سیاسی و نظامی کردی در اقلیم کردستان تا چه حد از اجماع و توافق یا اختلاف و تعارض در خصوص مسائل کلان و راهبردی به خصوص موضوع استقلال و متغیرهای مرتبط با آن برخوردار هستند نقشی اساسی در موفقیت یا ناکامی آنها در کسب استقلال دارد (Policy Analysis, 2017: 3).

شخصیت و تمایلات رهبری اقلیم: از آنجایی که جنبش‌های سیاسی و اجتماعی از جمله حرکت‌های خواستار جدایی طلبی نیازمند رهبری توانمند، با اراده و قدرت فراوان و مشروع هستند در خصوص مسئله استقلال‌خواهی کردی نیز اینکه شخصی قدرتمند و دارای تمایلات جدی جدایی طلبی رهبری کردها در اقلیم را در دست داشته باشد اهمیت زیادی دارد. در مقابل فقدان رهبری مشروع و قدرتمند یا فقدان گرایش‌های قوی جدایی طلبی در رهبری اقلیم ممکن است به تأخیر و ناکامی در استقلال کردی منجر شود. بر این اساس در اینجا به شخصیت و تمایلات رهبری اقلیم به‌عنوان یکی از متغیرهای اثرگذار بر استقلال کردی اشاره می‌شود. در جریان همه‌پرسی استقلال کردستان در سال ۲۰۱۷ محوریت و اراده مسعود بارزانی نقشی محوری در برگزاری همه‌پرسی داشت. با کناررفتن وی از مسند ریاست اقلیم و احتمال به‌قدرت‌رسیدن رهبران میانه‌روتر روند استقلال کردی ممکن است مسیر متفاوتی را طی کند (مرکز الجزیره للدراسات، ۲۰۱۷: ۳).

۲-۱. متغیرهای ملی عراق

در سطح ملی عراق دو متغیر اصلی اثرگذار بر مسئله استقلال کردی را می‌توان شامل قدرت و انسجام داخلی دولت مرکزی و همکاری‌های شیعیان و اهل سنت در مقابل واگرایی کردها دانست.

قدرت و انسجام داخلی دولت مرکزی عراق: حفظ تمامیت، یکپارچگی و حاکمیت در کشورهای مختلف با قدرت و انسجام دولت‌ها و کارآمدی حکومت‌ها ارتباط مستقیمی دارد. درحالی‌که دولت‌های ضعیف و ناکارآمد یا به‌عبارت دیگر دولت‌های ورشکسته عامل مهمی در فروپاشی و تجزیه کشورها خواهند بود، در مقابل افزایش قدرت و انسجام دولت مرکزی به‌عنوان فاکتوری کلیدی و تعیین‌کننده برای حفظ یکپارچگی و مقابله با تجزیه‌طلبی محسوب می‌شود. در عراق ضعف‌های دولت مرکزی و به‌خصوص ناکارآمدی آن و ناکامی حکومت‌های عراقی در پیشبرد حکمرانی خوب باعث شده است تا جدایی طلبی کردی تقویت شود. ورشکستگی و ضعف دولت مرکزی در زمان صدام باعث حمله آمریکا و متحدینش شد و بعد از صدام نیز دولت عراق با مشکلات مختلفی مواجه بوده است (بخیت، ۲۰۱۳: ۱۱-۱۲۱).

عراق در دوره نخست وزیری حیدرالعبادی توانست بر دو تهدید مهم، یعنی داعش و استقلال‌طلبی کردی غالب شود و موفقیت‌های مهمی برای حفظ حاکمیت و قدرت دولت مرکزی به دست آورد. این دو موفقیت که در سال ۲۰۱۷ به دست آمد، باعث شد تا دولت عراق به بازسازی سطح درخور توجهی از حاکمیت سیاسی و همچنین ارتقای توان نظامی و امنیتی خود بپردازد. با این حال به اعتقاد برخی حفظ و تقویت قدرت دولت مرکزی در بلندمدت و رسیدن به ثبات پایدار مستلزم پرداختن به چالش‌های ساختاری در این کشور و حل و فصل آنهاست. از جمله مهم‌ترین این چالش‌های ساختاری عبارت‌اند از: اثرات شکاف‌ها و منازعات گذشته مانند جنگ دولت مرکزی علیه داعش و هواداران سنی آن؛ چالش‌های قومی و مذهبی بین کردها و عرب‌ها و شیعه و سنی؛ چالش‌های حکومت‌داری مانند سوءمدیریت و فساد؛ چالش‌ها و مشکلات اقتصادی مختلف و چالش‌ها و مشکلات نظامی و امنیتی مانند تعدد ساختارها و گروه‌های نظامی (3: cordesman, 2018).

همکاری‌های شیعی- سنی: عرب‌های شیعی و سنی در کنار کردها به عنوان ارکان یا گروه‌های اصلی جامعه عراق محسوب می‌شوند. بر این اساس در خصوص مسائل راهبردی و حیاتی عراق مانند استقلال‌طلبی کردی نوع رویکردها و برابری سیاست‌های شیعی و سنی اهمیت زیادی دارد. این موضوع که شیعیان و اهل سنت در خصوص مسئله استقلال‌طلبی کردی رویکرد مشترک و مواضع نزدیکی داشته باشند یا اینکه با اختلافات جدی در دیدگاهها مواجه باشند اهمیت درخوری داشته و از مؤلفه‌های کلیدی و تعیین‌کننده در خصوص استقلال‌طلبی کردها محسوب می‌شود.

سیاست و حکومت در تاریخ عراق تا حد زیادی تحت تأثیر تنش‌ها و مناقشات فرقه‌ای شیعی- سنی در این کشور بوده است. در سال‌های پس از ۲۰۰۳ روند دولت‌سازی در عراق با محوریت شیعیان بوده و اهل سنت اغلب رویکرد نفی و انتقاد یا حتی واکنش نظامی در قبال حاکمیت مرکزی را در پیش گرفته است. شکل‌گیری داعش و سیطره آن بر مناطق اهل سنت در سال‌های پس از ۲۰۱۴ اصلی‌ترین واکنش در برابر دولت شیعی محور در عراق بوده است. در حالی که برتری شیعیان در ساختار قدرت دموکراتیک عراق برای سال‌های قابل پیش‌بینی ادامه خواهد داشت نوع مشارکت و همکاری اهل سنت در قدرت در ثبات

حکومت و مواجهه آن با چالش‌هایی مانند استقلال‌طلبی کردی نقشی اساسی خواهد داشت (Haddad, 2015: 3).

۳-۱. متغیرهای خارجی

در سطح خارجی یا محیط منطقه‌ای و بین‌المللی چهار متغیر به‌عنوان اصلی‌ترین عوامل اثرگذار بر استقلال کردی درخور شناسایی و تبیین هستند.

ملاحظات امنیت داخلی کشورهای پیرامونی در خصوص استقلال اقلیم: باتوجه‌به اینکه کشورهای پیرامونی کردستان عراق دارای اقلیت‌های کرد بوده و از امکان تأثیرگذاری شدید استقلال‌خواهی کردی بر امنیت داخلی خود نگران هستند، ملاحظات امنیتی این کشورها متغیری اثرگذار بر رویکرد آنها در خصوص مسئله کردی محسوب می‌شود. در این چارچوب به هر اندازه که این نگرانی‌ها افزایش یابد واکنش‌های منفی و اقدامات تقابلی این کشورها در مقابل استقلال کردی افزایش خواهد یافت و کاهش نگرانی‌های امنیت ملی داخلی ممکن است رویکرد این کشورها را تعدیل نماید.

در میان کشورهای همسایه عراق ترکیه، سوریه و ایران هرکدام در خصوص استقلال‌طلبی کردی در عراق آسیب‌پذیری‌های خاص خود را دارند. در این میان به نظر می‌رسد ترکیه بیشترین آسیب‌پذیری امنیتی را به تشکیل کشور کردستان در شمال عراق دارد و کشورهای ایران و سوریه نیز هرکدام نگرانی‌های امنیتی خاص خود را در این خصوص دارند. این نگرانی و آسیب امنیتی باعث شدت عمل دولت‌های پیرامونی در خصوص استقلال کردها شده و در نتیجه رویکرد دولت‌های منطقه به مانع‌ج‌دی تشکیل دولت کردی تبدیل شده است. در این چارچوب به‌عنوان نمونه به‌رغم روابط گرم با رهبران اقلیم کردی به‌محض مطرح‌شدن موضوع همه‌پرسی استقلال در کردستان عراق به‌شدت با آن مخالفت کرد و روابط متفاوتی بین اربیل و آنکارا ایجاد شد (Uyanik, 2017: 5).

رقابت‌های منطقه‌ای میان دولت‌های پیرامونی: هرچند قدرت‌های پیرامونی کردستان عراق به‌خصوص دولت‌های ایران و ترکیه سپس سوریه نقش مهمی در استقلال یا عدم استقلال کردهای عراق دارند. با این حال یکی از موضوعات مهمی که ممکن است همکاری و هم‌گرایی

این دولت‌ها در خصوص مسئله کردی را متأثر سازد نوع سیاست‌ها و رقابت‌ها یا همکاری‌های آنها در سطح منطقه‌ای است. هرچقدر میزان رقابت‌ها و اختلافات دولت‌های پیرامونی کردستان در سطح منطقه افزایش یابد، کردهای عراق برای نقش‌آفرینی و حرکت به سمت استقلال فرصت و روزه‌های بیشتری پیدا خواهند کرد. در مقابل کاهش رقابت این دولت‌ها و افزایش هم‌گرایی و همکاری بین آنها در مسائل منطقه ممکن است به افزایش همکاری و نزدیکی در مقابل استقلال‌خواهی کردی در عراق بیانجامد.

اختلافات و رقابت‌های کشورهای پیرامونی و به‌طور مشخص ترکیه، ایران و سوریه در تسهیل حرکت کردها به سمت استقلال در طول دو دهه اخیر نقش اساسی داشته است. کردها تجارب خوبی در خصوص بهره‌گیری از اختلافات و رقابت‌های بازیگران منطقه برای پیشبرد اهداف و منافع خود کسب کرده‌اند. در این راستا تلاش‌های ایران و ترکیه برای افزایش نفوذ و گسترش روابط با گروه‌های کردی و همچنین کسب منافع اقتصادی از یک سو و اختلافات و رقابت‌های منطقه‌ای از جمله در خصوص بحران سوریه به‌عنوان مانعی جدی برای همکاری این کشورها در جهت محدودسازی گرایش‌های استقلال‌خواهانه کردی در شمال عراق بود. با این حال تحولات مربوط به همه‌پرسی استقلال کردستان در سال ۲۰۱۷ نشان داد که افزایش تهدید تشکیل دولت کردی ممکن است باعث کاهش سطح اختلافات و رقابت‌های دولت‌های پیرامونی و همکاری برای مقابله با استقلال‌خواهی کردی شود. موضوعی که به زیان روابط دولت اقلیم کردی با کشورهای همسایه به‌خصوص ترکیه تمام شد (USTUN, 2017: 29).

حمایت بین‌المللی از استقلال‌طلبی کردی: استقلال‌طلبی کردی علاوه بر مؤلفه‌ها و رویکردهای منطقه‌ای تا حد زیادی به نوع اهداف و منافع و رویکردهای قدرت‌های بزرگ بستگی دارد. در این راستا درحالی‌که کردها با مخالفت جدی دولت مرکزی و دولت‌های پیرامونی برای استقلال روبرو هستند، این موضوع اهمیت می‌یابد که آیا قدرت‌های بزرگ بین‌المللی متمایل یا قادر به حمایت از استقلال کردها هستند. در دو دهه اخیر روابط بین‌المللی مستقل کردهای عراق رشد درخور ملاحظه‌ای داشته و بسیاری از کشورها در اربیل نمایندگی دیپلماتیک داشته و حمایت‌هایی را نیز به کردها ارائه داده‌اند. با این حال به‌جز

رژیم صهیونیستی هیچ کشوری حتی در موضع‌گیری صرف نیز حاضر به حمایت از تشکیل کردی نشده است. مهم‌تر اینکه اغلب قدرت‌های بزرگ جهان در زمان برگزاری همه‌پرسی استقلال کردستان عراق در سال ۲۰۱۷ بر تداوم حیات کردستان در قالب عراق یکپارچه تأکید کردند. این رویکرد بین‌المللی در ناکامی کردها در بهره‌گیری از نتایج همه‌پرسی نقش مهمی داشت و به‌عنوان عاملی تعیین‌کننده در تغییر موازنه قدرت به نفع بغداد بوده است. می‌توان گفت بی‌میلی جامعه بین‌الملل به حمایت از تشکیل دولت کردی در منطقه ناشی از نگرانی‌های جدی در خصوص تبعات منفی این موضوع برای امنیت و ثبات منطقه‌ای است (Pichon, 2016: 7). با توجه به این اثرگذاری اینکه در آینده قدرت‌های بزرگ در خصوص استقلال کردی چه رویکردی داشته باشند در وضعیت نهایی کردهای عراق اهمیت درخور خواهد داشت.

مشروعیت بین‌المللی حق تعیین سرنوشت و جدایی‌طلبی: شرایط حقوقی بین‌المللی و مشروعیت حق تعیین سرنوشت و جدایی‌طلبی در عرصه بین‌المللی یکی از عوامل مهمی است که ممکن است به لحاظ سیاسی و بین‌المللی بر وضعیت اکراد عراق و تلاش آنها برای ایجاد کشور مستقل اثرگذار باشد. در این راستا بسترها و چارچوب‌های حقوقی مورد استناد از یک سو و نوع نگرش و رفتار بین‌المللی در قبال موضوعات مشابه جدایی‌طلبی مانند کاتالونیا ممکن است برای استقلال‌طلبی کردهای عراق ایجاد مشروعیت کند یا اینکه از جدایی‌طلبی کردها سلب مشروعیت نماید.

بررسی‌های انجام‌شده نشان می‌دهد با توجه به قوانین بین‌المللی و رویه‌های متعددی که در خصوص استقلال‌طلبی دول مختلف در قوانین بین‌المللی به آنها اشاره شده است جدایی‌طلبی و استقلال‌خواهی اقلیم کردستان عراق تنها در صورت ثابت‌کردن نقض حقوق بشر آنها توسط رژیم حاکم عراق یا قانع‌کردن جامعه بین‌المللی در دارابودن مؤلفه‌های مؤثر، مشروعیت می‌یابد؛ چراکه مشروعیت جدایی یک‌جانبه در شرایط غیراستعماری و مخالفت نظام حاکم وقت کشور امکان‌پذیر نیست (عزیزی، ۹۶: ۹۷). ضمن اینکه جامعه بین‌الملل خواستار مشروعیت‌دادن به موضوعات مشابه استقلال‌طلبی بخشی از کشورها بدون وجود بحران اساسی تمایلی ندارد.

ج. خروجی‌های سیستم: اثرگذاری و اثرپذیری متغیرها

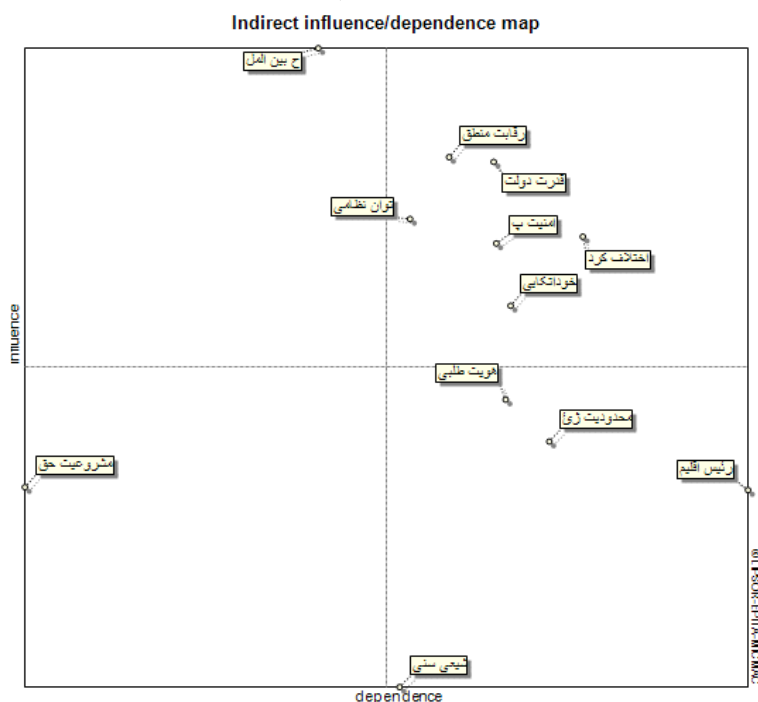
در بخش قبلی ورودی‌های سیستم یا به عبارتی متغیرهای اصلی اثرگذار بر استقلال کردی تبیین شد. در این بخش با استفاده از نظرات خبرگان و بهره‌گیری از نرم‌افزار میک مک به تحلیل نتایج و به‌طور مشخص میزان اثرگذاری و اثرپذیری متغیرها می‌پردازیم. در روش تحلیل ساختاری پس از شناسایی و تبیین متغیرهای اصلی اثرگذار بر استقلال‌طلبی کردی بر اساس نظرات خبرگان بایستی به بررسی و توصیف میزان اهمیت و نقش هریک از عوامل پرداخت. در اینجا با استفاده از روش میک مک و با بهره‌گیری از نظرات خبرگان به ایجاد ماتریسی از عوامل پرداخته و اثرگذاری هریک از موضوعات بر سایر زمینه‌ها مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. در این بخش خبرگان به اثرگذاری هریک از عوامل بر سایر عوامل نمراتی بین ۰ تا ۳ دادند که از عدم اثرگذاری تا اثرگذاری حداکثری را شامل می‌شود. سپس با ورود این نمرات به نرم‌افزار میک مک نمودار و گراف اثرگذاری و اثرپذیری بین عوامل و موضوعات ارائه شد.

نمودار زیر نیز اثرگذاری و اثرپذیری غیرمستقیم تمام متغیرهای دوازده‌گانه اثرگذار بر استقلال‌طلبی کردی را به‌صورت کامل نشان می‌دهد. محور عمودی نمودار میزان اثرگذاری و محور افقی نیز میزان اثرپذیری متغیرها را نشان می‌دهد. بر اساس این نمودار دو متغیر بیشترین اثرگذاری را بر موضوع استقلال‌طلبی کردی دارند که عبارت‌اند از: حمایت بین‌المللی از استقلال کردی و رقابت و رویکرد بازیگران منطقه‌ای. این دو متغیر از بیشترین تعیین‌کنندگی در شکل‌دهی به آینده استقلال کردی برخوردارند به‌خصوص حمایت‌های بین‌المللی ضمن اثرگذاری حداکثری، اثرپذیری اندکی از سایر متغیرها دارد. دو متغیری که به‌طور هم‌زمان بیشترین اثرگذاری و اثرپذیری بر مسئله استقلال کردی را دارند شامل قدرت و انسجام دولت مرکزی و اختلافات راهبردی درون کردی است. این دو متغیر به‌دلیل اثرگذاری و اثرپذیری زیاد و هم‌زمان بیشترین عدم قطعیت را در آینده دارند و وضعیت استقلال کردی تا حد زیادی به این دو متغیر وابسته است. در این میان قدرت دولت مرکزی اثرگذاری بیشتر و اثرپذیری کمتری داشته و اختلافات کردی اثرگذاری کمتر و اثرپذیری بیشتری را در مجموع سیستم مورد بررسی دارد.

متغیرهایی مانند مشروعیت بین‌المللی حق تعیین سرنوشت و جدایی‌طلبی و رابط و همکاری‌هایی شیعی - سنی از کمترین اثرگذاری و اثرپذیری در مجموع سیستم برخوردارند و

در نتیجه کمترین تعیین‌کنندگی را در تعیین آینده استقلال کردی خواهند داشت. همچنین ریاست اقلیم کردستان به‌عنوان متغیری با بیشترین میزان اثرپذیری در سیستم محسوب می‌شود. همچنین مجموعه‌ای از متغیرها در سیستم و نزدیک مرکز نمودار وجود دارد که از اثرگذاری و اثرپذیری متوسطی برخوردارند که به ترتیب اثرگذاری عبارت‌اند از: توان نظامی اقلیم کردی، امنیت داخلی، کشورهای پیرامونی، خوداتکایی اقتصادی کردها، هویت‌طلبی کردها و درنهایت محدودیت‌های ژئوپلیتیک کردستان عراق.

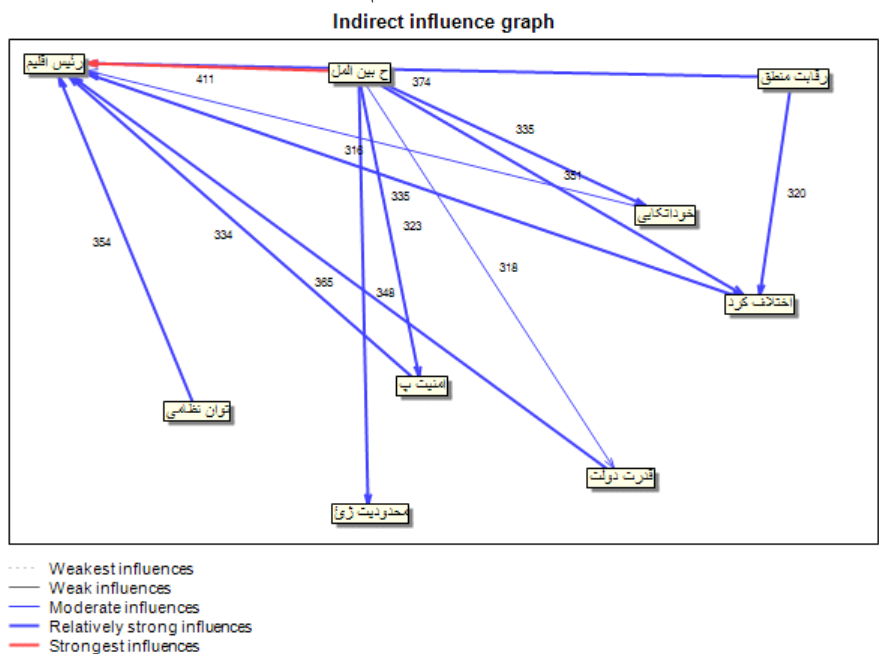
نمودار ۱. اثرگذاری و اثرپذیری متغیرها



علاوه بر نتایج ناشی از نمودار اثرگذاری و اثرپذیری که به آن پرداخته شد، گراف اثرگذاری غیرمستقیم نیز نتایج درخور توجهی را به‌دست می‌دهد. در این گراف که در زیر به نمایش درآمده است خطوط قرمز بیانگر قوی‌ترین اثرگذاری‌ها، خطوط آبی پررنگ نشانگر تأثیرات نسبتاً قوی و خطوط آبی کم‌رنگ نشانگر تأثیرگذاری‌های متوسط بین متغیرهاست. همان‌طور که مشخص است در میان مجموع متغیرها حمایت‌های بین‌المللی از استقلال کردی

دارای بیشترین اثرگذاری بر سایر متغیرهاست و ریاست اقلیم نیز بیشترین اثرپذیری را از سایر متغیرها دارد. همچنین قوی‌ترین رابطه اثرگذاری نیز اثرات حمایت‌های بین‌المللی بر ریاست اقلیم است. همچنین حمایت‌ها و رویکردهای بین‌المللی اثرگذاری نسبتاً قوی بر خوداتکایی اقتصادی کردها، اختلافات درون کردی، امنیت کشورهای پیرامونی و محدودیت‌های ژئوپلیتیک کردی دارند. سایر اثرگذاری‌ها نیز در گراف زیر به خوبی نمایان شده است.

نمودار ۲. اثرگذاری غیرمستقیم متغیرها

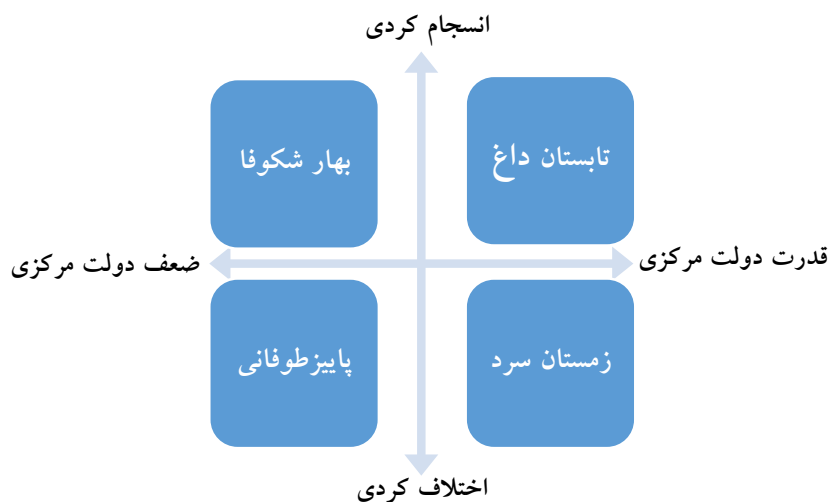


در مجموع نمودار و گراف اثرگذاری و اثرپذیری متغیرهای کلیدی استقلال کردی نشان می‌دهد که دو متغیر قدرت و انسجام دولت مرکزی و اختلافات راهبردی درون کردی با بیشترین عدم قطعیت روبرو بوده و درعین حال از تعیین‌کنندگی مطلوب و درخوری در آینده استقلال کردی برخوردارند. لذا هرچند می‌توان با تکیه بر این دو مؤلفه به ترسیم سناریوهایی برای استقلال کردی پرداخت، اما در هریک از سناریوها دو متغیر دارای بیشترین اثرگذاری، یعنی حمایت و رویکردهای بین‌المللی و رقابت و رویکرد دولت‌های پیرامونی خود به‌نوعی دو

عدم قطعیت موضوع بحث را متأثر ساخته و می‌تواند شرایط متفاوتی را ایجاد کنند. درعین‌حال متغیرهای دارای اثرگذاری و اثرپذیری متوسط که به آنها اشاره شد، نیز هریک در سطحی پایین‌تر در قالب هریک از سناریوهای بدیل به‌گونه‌ای متفاوت اثرگذاری‌های خاص خود را بر مسئله استقلال کردی خواهند داشت.

د. سناریوهای آینده استقلال کردی

ترسیم سناریوهای بدیل برای استقلال کردی به‌عنوان یکی از اهداف پژوهش حاضر با نتیجه بخش قبلی، یعنی اثرگذاری و اثرپذیری متغیرها آغاز می‌شود. از این رو چارچوب سناریوها بر اساس دو عدم قطعیت کلیدی در موضوع استقلال کردی، یعنی قدرت و انسجام دولت مرکزی و اختلافات راهبردی درون کردی قرار داده می‌شود و نقش هریک از متغیرهای دیگر در چارچوب سناریوها نیز در گام بعدی مشخص خواهد شد. ازاین‌رو، دو عدم قطعیت کلیدی مدنظر باعث ترسیم چهار سناریوی بدیل برای استقلال کردی می‌شود که در نمودار زیر نمایش داده شده است و عبارت‌اند از: سناریوی تابستان داغ؛ سناریوی بهار شکوفا؛ سناریوی زمستان سرد و سناریوی پاییز طوفانی. شایان ذکر است که نامگذاری سناریوها از منظر آرمان‌ها و اهداف و منافع کردهای عراق صورت گرفته است.



۱. سناریوی تابستان داغ

منطق سناریوی تابستان داغ در چارچوب افزایش هم‌زمان انسجام و قدرت دولت مرکزی و انسجام درون کردی قرار می‌گیرد. در این سناریو قدرت و انسجام دولت مرکزی برای حفظ تمامیت ارضی و حاکمیت سیاسی عراق زیاد و این قدرت مانع از واگرایی و جدایی کردها از این کشور می‌شود. با این حال گروه‌های کرد عراق نیز از انسجام و هم‌گرایی زیادی برخوردار بوده و به‌صورت مشترک و با همکاری و هماهنگی بالا در جهت پیشبرد مطالبات کردی و از جمله مسئله استقلال طلبی حرکت می‌کنند. ضمن اینکه در این سناریو خوداتکایی اقتصادی و توان نظامی کردها نیز در حد قابل توجهی می‌باشد. از این رو، این وضعیت، یعنی قدرت و انسجام درونی هم‌زمان بغداد و اربیل و تفاوت اهداف و منافع و مطالبات باعث افزایش کشمکش و تنش بین طرفین می‌شود. بر این اساس در این سناریو شاهد افزایش درگیری‌ها و تنش‌ها و سطح وسیعی از ناامنی در عراق در نتیجه تصاعد مسئله کردی هستیم. در این شرایط است که نوع رویکرد و اثرگذاری متغیرهای خارجی، یعنی رویکرد قدرت‌های بزرگ و همچنین رویکرد و شرایط بازیگران منطقه‌ای به‌عنوان متغیرهایی با تأثیرگذاری درخوری اهمیت می‌یابد.^۱ از آنجایی که اراده خارجی جدی برای حمایت از استقلال کردی وجود ندارد، نتیجه اثرگذاری متغیرهای خارجی تلاش برای کاهش تنش‌ها و حل بخشی از اختلافات و مشکلات بین اربیل و بغداد خواهد بود. با این حال فضای کلی این سناریو تداوم تنش و اختلاف بین اقلیم کردستان و دولت مرکزی عراق خواهد بود.

۲. سناریوی بهار شکوفا

منطق سناریوی بهار شکوفا در چارچوب افزایش انسجام کردی و کاهش انسجام داخلی و قدرت دولت مرکزی عراق قرار دارد. این سناریو را می‌توان مطلوب کردهای عراق دانست و شرایطی است که در آن کردها می‌توانند آرمان‌ها و اهداف خود را شکوفا کنند. در سناریوی بهار شکوفا

۱. به‌لحاظ تاریخی دهه ۱۹۷۰ میلادی را می‌توان نمونه‌ای از افزایش هم‌زمان قدرت دولت مرکزی و کردها دانست. در این مقطع درحالی‌که دولت مرکزی عراق از ظرفیت‌های قدرت فوق‌العاده‌ای برخوردار بود، اراده خارجی در حمایت از کردها به‌خصوص از جانب ایران، آمریکا و اسرائیل باعث گسترش جدی تنش‌های بین بغداد و کردها شد. با این حال با فروکش کردن حمایت خارجی از کردها، آنها در مقابل بغداد با ناکامی مواجه شدند.

دولت مرکزی با اختلافات جدی داخلی روبروست و به‌خصوص در خصوص مقابله با استقلال‌طلبی کردی اجماعی بین گروه‌های سیاسی در بغداد وجود ندارد. ضمن اینکه دولت مرکزی فاقد قدرت نظامی و کارآمدی لازم برای اعمال حاکمیت سیاسی بر اقلیم کردستان است. این در حالی است که کردها ضمن افزایش انسجام و هم‌گرایی داخلی و گسترش همکاری‌ها در مقابل بغداد به توسعه درخور توجه توانمندی نظامی و امنیتی و همچنین خوداتکایی اقتصادی پرداخته‌اند. ضمن اینکه به‌لحاظ ژئوپلیتیک نیز کردها موفق شده‌اند بر بخش عمده‌ای از مناطق مورد مناقشه مسلط شوند. بر این اساس در این سناریو شرایط استقلال و تشکیل دولت کردی تا حد زیادی فراهم است. با این حال متغیرهای خارجی به‌عنوان عوامل کلیدی مداخله‌گر نقشی اساسی در استقلال کردها خواهند داشت. از این رو، بر اساس نوع رویکرد و شرایط قدرت‌های بین‌المللی و بازیگران منطقه‌ای سناریوی بهار شکوفا ممکن است وضعیت‌های مختلفی داشته باشد. در شرایطی که بازیگران خارجی مخالف استقلال‌طلبی کردی هستند کردها به‌سمت نظام کنفدرالی خواهند رفت و بیشترین حد خودمختاری را از بغداد کسب خواهند کرد. در شرایطی که بازیگران خارجی با استقلال‌طلبی کردی مخالفت نکنند و برخی بازیگران نیز از تشکیل دولت کردی حمایت نمایند، شرایط به‌سمت تشکیل دولت کردی پیش خواهد رفت.^۱

۳. سناریوی پاییز طوفانی

منطق سناریوی پاییز طوفانی در چارچوب کاهش انسجام و قدرت دولت مرکزی و همچنین کاهش انسجام کردی قرار دارد. در این سناریو همانند سناریوی بهار شکوفا قدرت و انسجام داخلی دولت مرکزی در سطح درخور توجهی نیست، اما در مقابل کردها نیز وضعیت مناسبی به‌لحاظ انسجام ندارند و با اختلافات راهبردی جدی روبرو هستند. بر این اساس کردها از ظرفیت مناسب برای بهره‌گیری از ضعف و نبود انسجام دولت مرکزی برای رفتن به‌سمت استقلال برخوردار نیستند. از این رو در این شرایط احتمال تشکیل اقلیم‌های متعدد افزایش می‌یابد

۱. از آنجایی که کردهای عراق هنوز به‌لحاظ ظرفیت‌های داخلی قدرت با ضعف‌هایی روبرو هستند و به‌خصوص اراده و حمایت خارجی لازم برای پشتیبانی از واگرایی و استقلال کردی شکل نگرفته است، چنین سناریوی فاقد سابقه و نمونه تاریخی مشخصی است.

و از جمله اقلیم سلیمانیه و اقلیم اربیل به صورت جداگانه ادامه حیات خواهند داد. بر این اساس ضعف هم‌زمان دولت مرکزی و کردها باعث افزایش سطح هرج‌ومرج و بی‌ثباتی در عراق و نابسامانی جدی در این کشور خواهد شد. بنابراین روابط اربیل و بغداد نیز سامان و وضعیت مشخصی نخواهد داشت. در این وضعیت بازیگران خارجی ضمن تلاش برای افزایش نفوذ خود در عراق با خطر فروپاشی این کشور نیز روبرو هستند و بر این اساس سعی خواهند کرد تا به دولت مرکزی عراق حمایت‌هایی را برای حفظ تمامیت و ثبات این کشور ارائه دهند.^۱

۴. سناریوی زمستان سرد

منطق سناریوی زمستان سرد در چارچوب افزایش انسجام و قدرت دولت مرکزی و کاهش انسجام کردی قرار دارد. این سناریو بیشترین مطلوبیت را برای دولت مرکزی عراق داشته و برای کردها کمترین مطلوبیت را دارد. در این سناریو دولت مرکزی از قدرت و انسجام بالایی برخوردار بود و به خصوص گروه‌های عراقی از اجماع قابل ملاحظه‌ای برای مقابله با استقلال کردی برخوردارند. از سوی دیگر گروه‌های کرد با اختلافات و شکاف‌های جدی داخلی مواجه بوده و خوداتکایی و قدرت نظامی آنها نیز بسیار کاهش یافته است. در این شرایط اقلیم کردی در شرایط ضعف قرار دارد و احتمال فروپاشی اقلیم یا تبدیل آن به دو اقلیم ضعیف وجود دارد. در این وضعیت هرچند بازیگران خارجی با تلاش‌های بغداد برای حفظ حاکمیت و مقابله با استقلال‌خواهی کردی همراهی قابل توجهی دارند، اما خواستار ضعف و فروپاشی نهایی اقلیم کردی نیستند. در نتیجه رهبران کرد برای حفظ بقای اقلیم سعی می‌کنند تا حمایت‌های لازم را از بازیگران خارجی در برابر بغداد و در جهت کاهش فشارهای دولت مرکزی کسب کنند.^۲

۱. نزدیک‌ترین نمونه تاریخی به این سناریو را می‌توان وضعیت کردستان عراق و دولت مرکزی در دهه ۱۹۹۰ دانست. در این مقطع بغداد با توجه به شرایط بعد از جنگ کویت و تحریم‌ها و فشارهای خارجی در وضعیت ضعف قرار داشت، اما کردها نیز هنوز فاقد ظرفیت‌های لازم بودند و به خصوص جنگ‌های بین دو حزب اصلی کردی به واگرایی و اختلافات درونی کردی دامن زد.

۲. تجربه مرحله بعد از برگزاری همه‌پرسی استقلال کردی در عراق در سال ۲۰۱۷ را می‌توان تجربه نزدیک به این سناریو دانست. در این مقطع دولت عراق به دلیل ظرفیت‌های داخلی و حمایت‌های خارجی از یک سو و دو پارگی و اختلافات جدی درونی کردها که در آزادی کرکوک نمایان شد توانست بر کردها غلبه کند و درخواست استقلال کردی به شدت تضعیف شد.

نتیجه‌گیری

هدف نوشتار حاضر بررسی متغیرهای اثرگذار بر استقلال کردی در عراق و ترسیم سناریوهای بدیل در طول یک دهه آینده بود. در این راستا از روش تحلیل ساختاری به‌عنوان یکی از روش‌های آینده‌پژوهی استفاده شد. در این روش در قالب نگاهی ساختاری متغیرهای اصلی سیستم و میزان اثرگذاری و اثرپذیری آن ارزیابی شده که نتیجه اصلی آن مشخص شدن متغیرهای اصلی در موضوع و در نتیجه امکان ترسیم سناریوهایی در این خصوص است. در چارچوب این روش در اینجا با بهره‌گیری از نظرات خبرگان ابتدا اصلی‌ترین عوامل و متغیرهای اثرگذار بر استقلال کردی شناسایی شدند سپس میزان اثرگذاری و اثرپذیری این متغیرها شناسایی و به نرم‌افزار میک مک وارد شد. این متغیرهای دوازده‌گانه عبارت بودند از: محدودیت‌های ژئوپلیتیکی برای استقلال اقلیم کردی؛ هویت‌طلبی قومی و استقلال‌طلبی اکراد؛ خوداتکایی و استقلال اقتصادی اقلیم کردی؛ قدرت نظامی یکپارچه، مستقل و استراتژیک اقلیم؛ اختلافات راهبردی درون کردی؛ شخصیت و تمایلات رهبری اقلیم؛ قدرت و انسجام داخلی دولت مرکزی عراق؛ همکاری‌های شیعی- سنی؛ ملاحظات امنیت داخلی کشورهای پیرامونی در خصوص استقلال اقلیم؛ رقابت‌های منطقه‌ای میان دولت‌های پیرامونی؛ حمایت بین‌المللی از استقلال‌طلبی کردی؛ و مشروعیت بین‌المللی حق تعیین سرنوشت و جدایی‌طلبی. نتایج حاصل از ارزیابی نظارت خبرگان و برون‌داد نرم‌افزار میک مک که به‌صورت نمودار و گراف به نمایش درآمد، نشان می‌دهد که حمایت بین‌المللی از استقلال کردی و رقابت‌های منطقه‌ای دولت‌های پیرامونی به‌ترتیب اثرگذارترین متغیرها بر مسئله استقلال کردی هستند. همچنین انسجام و قدرت دولت مرکزی و اختلافات راهبردی یا انسجام درون کردی به‌عنوان متغیرهایی با بیشترین اثرگذاری و اثرپذیری هم‌زمان هستند. ضمن اینکه متغیرهایی مانند خوداتکایی اقتصادی یا قدرت نظامی کردها و وضعیت ژئوپلیتیک کردها با اثرگذاری کمتر از اهمیت کمتری برخوردارند. با توجه به این برون‌دادها برای ترسیم سناریوهای بدیل استقلال کردی در ده سال آینده قدرت و انسجام دولت مرکزی و انسجام یا اختلاف کردی به‌عنوان دو عدم قطعیت اصلی در نظر گرفته شدند و بر این اساس چهار سناریو برای استقلال کردی تدوین شد.

سناریوی نخست تابستان داغ نامیده شد که منطق آن در چارچوب افزایش هم‌زمان انسجام و قدرت دولت مرکزی و انسجام و ظرفیت‌های کردی است و ویژگی اصلی آن گسترش جدی تنش‌های بین اربیل و بغداد و تأثیرات بی‌ثبات‌کننده مسئله کردی برای عراق است. سناریوی دوم سناریوی بهار شکوفاست که منطق آن در چارچوب کاهش قدرت و انسجام دولت مرکزی و افزایش انسجام و قدرت کردی قرار دارد و ویژگی اصلی آن را می‌توان پیدایش کنفدرالیسم کردی در عراق دانست. بهار شکوفا مطلوبیت فراوانی برای کردها دارد و ممکن است باعث محقق‌شدن سطح وسیعی از آرمان‌های کردی شود. سناریوی سوم پاییز طوفانی است که منطق آن در چارچوب کاهش هم‌زمان قدرت و انسجام دولت مرکزی و کاهش انسجام کردی قرار دارد. در این سناریو ضمن اینکه بازیگران خارجی سعی خواهند کرد مانع گسترش بی‌ثباتی و فروپاشی عراق شوند، اختلافات راهبردی میان کردها ممکن است باعث شکل‌گیری چند اقلیم کردی به‌جای اقلیم واحد شود. سناریوی چهارم سناریوی زمستان سرد است که منطق آن در چارچوب افزایش انسجام و قدرت مرکزی و کاهش انسجام کردی قرار دارد. مشخصه کلیدی این سناریو نیز ضعف جدی اقلیم کردی و تداوم حیات آن با چالش‌هایی کلیدی است.

وضعیت کردها در شرایط بعد از همه‌پرسی ۲۰۱۷ را می‌توان در قالب سناریوی زمستان سرد تبیین کرد. هرچند که هدف این تحقیق سنجش احتمال وقوع هریک از سناریوهای مورد اشاره نبوده است، اما مطالعه عوامل و روندهای اثرگذار بر مسئله استقلال کردی نشان می‌دهد که در طول یک دهه آینده تداوم سناریوی زمستان سرد یا ورود به سناریوی تابستان داغ احتمال وقوع بیشتری دارد و سناریوهای بهار شکوفا و پاییز طوفانی کمترین احتمال وقوع را دارند؛ چراکه این دو سناریو مستلزم کاهش جدی انسجام داخلی و قدرت دولت مرکزی در برابر اربیل است که شواهد کمی در این خصوص وجود دارد. ضمن اینکه تأثیرگذاری عوامل منطقه‌ای و بین‌المللی به‌عنوان تأثیرگذارترین متغیرها مانع از تقویت شرایطی است که در آن کردها بتوانند به تأسیس دولت کردی و جدایی از عراق مبادرت کنند. در مقابل قدرت و انسجام نسبی دولت مرکزی به‌خصوص در رویارویی با استقلال کردی و چالش‌های اساسی کردها و واگرایی درونی آنها، احتمال تداوم سناریوی زمستان سرد را افزایش می‌دهد و حداکثر

استقلال‌خواهی کردی در عراق: تحلیل ساختاری و سناریوها _____ ۲۰۹

اینکه بهبود تدریجی قدرت کردها می‌تواند باعث گسترش تنش‌های بین اربیل و بغداد شده و در نتیجه شانس تحقق سناریوی تابستان داغ را افزایش می‌دهد. جدول زیر به صورت خلاصه وضعیت چهار سناریو ترسیم شده در خصوص مسئله استقلال کردی در یک دهه آینده را نشان می‌دهد.

جدول ۱. سناریوهای استقلال‌خواهی کردستان عراق و احتمال وقوع آنها

نام سناریو	قدرت و انسجام دولت مرکزی	انسجام درون کردی	وضعیت یا جهت استقلال‌طلبی	احتمال وقوع	مطلوبیت کردها
تابستان داغ	زیاد	قوی	اقلیم کردی پر قدرت	به نسبت زیاد	به نسبت زیاد
بهار شکوفا	کم	قوی	کنفدرالیسم کردی	کم	زیاد
زمستان سرد	زیاد	ضعیف	انحلال یا ضعف جدی اقلیم کردی	زیاد	کم
پاییز طوفانی	کم	ضعیف	چند اقلیم کردی	به نسبت کم	به نسبت کم

منابع

- بخیت، حیدر نعمه (۲۰۱۳)، «الحکم الصالح فی العراق ودوره فی بناء الدولة»، *مجلة الغری للعلوم الاقتصادية والإدارية* - کلیة الإدارة والاقتصاد - جامعة الکوفة، العدد التاسع، العدد الثامن و العشرون.
- بنی اسدی، محمدحسین (۱۳۸۵)، «نگاهی به نگرش و روش سیستمی در حل مسائل سیستم‌های فرهنگی - اجتماعی»، *چشم‌انداز ایران*، شماره ۳۸.
- حسن حمه، هاوری (۲۰۱۷)، «قوات مسیسة و مسئله الدولة الكردية المستقلة»، معهد واشنطن لسياسة الشرق الأدنى، (۱۴ مارس ۲۰۱۷).
- زیباکلام، صادق و محمدرضا عبدالله‌پور (۱۳۹۰)، «ژئوپلیتیک شکننده کردستان عراق، عاملی همگرا در نزدیکی کردهای عراق به اسرائیل»، *فصلنامه سیاست*، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۱، شماره ۴.
- سمیعی، سعید (۱۳۹۵)، «فرایند سناریو پردازی بر اساس روش تحلیل ساختاری / قسمت اول / گام نخست: تعیین دامنه»، *ماهنامه نامه آینده‌پژوهی*، شماره چهل.
- عزیزی، آریا (۱۳۹۶)، *بایدها و نبایدهای مشروعیت جدایی استقلال اقلیم کردستان در حقوق بین‌الملل*، فصلنامه قانون یار، دوره سوم، شماره پاییز.
- قاسمی، محمدعلی (۱۳۸۹)، «بازیگران مؤثر بر عراق آینده: منافع و سناریوها»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال ۱۲، شماره اول.
- محمد أحمد، صافیناز (۲۰۱۷)، «هل بات استقلال كردستان واقعا؟»، *مركز الأهرام للدراسات السياسية والاستراتيجية*، (۱۰-۷-۲۰۱۷).
- مركز الجزيرة للدراسات (۲۰۱۷)، «ما بعد كركوك ما الذي تعنيه هزيمة أربيل لموازين القوى الإقليمية؟»، (۲۰۱۷ اکتوبر ۳۱).
- نظری، محمد اشکان (۱۳۹۵)، «هویت، ناسیونالیسم و موسیقی در کردستان عراق»، *فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی*، شماره پانزدهم.
- Aronson, Daniel (1996) Overview of Systems Thinking, http://www.thinking.net/Systems_Thinking/OverviewSTarticle.pdf
- Cordesman, Anthony H. (2018), Iraq After ISIS: The Other Half of Victory Dealing with the Civil Dimension, **CSIS**.
- Dziadosz, Alex (2017) The Economic Case A gainst an Independent Kurdistan, <https://www.theatlantic.com/international/archive/2017/09/kurdistan-barzani-iraq-turkey-blockade-oil/541149/>
- Haddad, Fanar (2015) Shia-Centric State Building and Sunni Rejection in Post-2003 Iraq, **Carnegie Endowment for International Peace**.
- Pichon, Eric (2016) Regional implications of Iraqi Kurdistan's quest for independence, **European Parliamentary Research Service (EPRS)**.
- Policy Analysis, (2017) Repercussions and Future Prospects of the Kurdistan Referendum, Situation Assessment, **United Arab Center for Research and Policy Studies**.
- Üstün, Kadir and Lesley K. Dudden, (2017) Turkey-KRG Relationship: Mutual Interests, Geopolitical Challenges, **SETA**.

Uyanik, Mehmet (2017) Turkey and the KRG After the Referendum: Blocking the Path to Independence, **CSIS**.

World Bank Group, (2015) The Kurdistan Region of Iraq: Assessing the Economic and Social Impact of the Syrian Conflict and ISIS, **The World Bank**.

